



راه‌های تقویت انگیزه کشاورزان در تولید محصولات اساسی





با این حال، در دهه‌های اخیر، شاهد چالش‌های فزاینده‌ای در حفظ و ارتقا انگیزه تولید در میان کشاورزان بوده‌ایم. این کاهش انگیزه که ناشی از مجموعه‌ای پیچیده از عوامل اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی است، مستقیماً بر توانایی کشور در خودکفایی و تأمین نیازهای جمعیت رو به رشد اثر می‌گذارد. متن حاضر با هدف ارائه راهکارهای عملی و سیاستی، به بررسی علل ریشه‌ای کاهش انگیزه کشاورزان و پیشنهاد بسته‌ای از مداخلات مؤثر برای احیای این بخش حیاتی می‌پردازد.



بیان مسئله

در سال‌های اخیر، کاهش درآمد واقعی کشاورزان، ریسک بالای تولید، نبود مشوق‌های مالی کافی، ضعف در زنجیره تأمین نهاده‌ها و کمبود حمایت‌های بیمه‌ای موجب افت انگیزه در بخش کشاورزی شده است. این وضعیت نه تنها امنیت غذایی کشور را تهدید می‌کند، بلکه سبب مهاجرت روستاییان و کاهش پایداری اجتماعی و اقتصادی روستاها شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ترکیبی از عوامل مختلف نظیر عدم اطمینان اقتصادی (نوسان قیمت‌ها، هزینه بالای نهاده‌ها)، ریسک‌های تولید (خشکسالی، آفات)، ضعف زیرساخت‌ها و کاهش منزلت اجتماعی، انگیزه تولید را در میان کشاورزان کاهش داده است. کاهش انگیزه در تولید محصولات اساسی یک معضل چندبعدی است که پیامدهای آن فراتر از بخش کشاورزی است و امنیت غذایی ملی، اشتغال پایدار در مناطق روستایی و حتی ثبات اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کشاورزان به عنوان سربازان خط مقدم تولید با چالش‌های متعددی مواجه هستند که توانایی و تمایل آن‌ها را برای ادامه یا گسترش فعالیت تولیدی کاهش می‌دهد. این چالش‌ها



دکتر فربرز عباسی

عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات فنی و مهندسی کشاورزی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی



کشاورزی یکی از ارکان اصلی اقتصاد، امنیت غذایی و اشتغال در ایران است. ولی کاهش انگیزه تولید در بین کشاورزان، تهدیدی جدی برای پایداری محصولات اساسی محسوب می‌شود. تولید محصولات اساسی مانند گندم، برنج، ذرت، دانه‌های روغنی و حبوبات ستون فقرات امنیت غذایی و ثبات اقتصادی-اجتماعی هر کشوری است. ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی، اقلیمی و جمعیتی خود، همواره بخش کشاورزی را به عنوان یکی از اولویت‌های ملی در نظر گرفته است.





در سال‌های اخیر، کاهش درآمد واقعی کشاورزان، ریسک بالای تولید، نبود مشوق‌های مالی کافی، ضعف در زنجیره تأمین نهاده‌ها و کمبود حمایت‌های بیمه‌ای موجب افت انگیزه در بخش کشاورزی شده است. این وضعیت سبب مهاجرت روستاییان و کاهش پایداری اجتماعی و اقتصادی روستاها شده است.

شود. قیمت تضمینی برخی از محصولات اساسی به‌طور مداوم از هزینه‌های واقعی تولید و نرخ تورم عقب مانده است. این شکاف، سودآوری کشاورزی را کاهش داده و انگیزه‌ها را تضعیف می‌کند. همچنین نبود قراردادهای بلندمدت و اطمینان از خرید محصول ریسک فعالیت را افزایش می‌دهد. دسترسی کشاورزان به اعتبارات بانکی بویژه برای سرمایه‌گذاری‌های میان‌مدت و بلندمدت (خرید ماشین‌آلات و توسعه سیستم‌های آبیاری) با موانع بوروکراتیک و نرخ سود بالا روبه‌رو است. این امر مانع بزرگی در برابر نوسازی و افزایش بهره‌وری محسوب می‌شود. پوشش بیمه‌ای محصولات اساسی، بویژه در برابر ریسک‌های اقلیمی و آفات، هنوز جامع و کافی نیست. بسیاری از کشاورزان به دلیل هزینه‌های بالا، پیچیدگی فرایند، یا عدم پوشش مناسب تمایلی به استفاده از بیمه ندارند. خدمات ترویجی و آموزشی ارائه شده اغلب به‌صورت سنتی و بدون توجه کافی به نیازهای فناورانه جدید، تغییرات اقلیمی و دانش بازار ارائه می‌شود. این شکاف دانشی، توانایی کشاورزان را برای انطباق با شرایط جدید محدود می‌کند. تعدد سازمان‌های مسئول در بخش کشاورزی و نبود هماهنگی کافی میان آن‌ها (مانند وزارتخانه‌ها، سازمان‌های استانی، تعاونی‌ها)، فرایندهای حمایتی را کند و پیچیده می‌کند. یکی از مهم‌ترین موانع توسعه کشاورزی، بی‌انضباطی، ناکارآمدی و ناهماهنگی بخش بازرگانی کشاورزی با بخش تولید است.



سیاست‌های پیشنهادی برای تقویت انگیزه

بر اساس تحلیل علل ریشه‌ای کاهش انگیزه تولید، بسته سیاستی جامعی برای تقویت انگیزه کشاورزان در تولید محصولات اساسی پیشنهاد می‌شود که بر رویکردهای زیر

شامل عدم اطمینان اقتصادی، نوسانات شدید و غیرقابل پیش‌بینی قیمت محصولات در بازارهای داخلی و جهانی، همراه با افزایش مداوم قیمت نهاده‌ها (کود، بذر، سموم، سوخت، ماشین‌آلات) و دستمزد کارگران، محاسبه سودآوری و برنامه‌ریزی بلندمدت را برای کشاورزان دشوار ساخته است. تغییرات اقلیمی، خشکسالی‌های پی‌درپی، گسترش آفات و بیماری‌های گیاهی و تخریب منابع پایه (آب‌وخاک) ریسک تولید را به‌شدت افزایش داده است. نبود سازوکارهای حمایتی مؤثر برای جبران این خسارات، فشار روانی و اقتصادی مضاعفی بر کشاورزان وارد می‌کند. مشکلات در بازاریابی محصولات، واسطه‌گری‌های ناکارآمد و عدم وجود بازارهای منظم و شفاف باعث می‌شود بخش قابل توجهی از عواید حاصل از تولید به دست کشاورزان اصلی نرسد. در برخی مناطق، حرفه کشاورزی با تصویر سنتی و کم‌درآمد در ذهنیت عمومی همراه است. این مسئله همراه با جذابیت‌های مشاغل شهری (حتی با درآمد مشابه) منجر به مهاجرت نیروی کار جوان و ماهر از روستا به شهر شده و نیروی کار باقی‌مانده را مسن‌تر و کم‌تجربه‌تر می‌کند. بسیاری از کشاورزان، بویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته، دسترسی محدودی به فناوری‌های روزآمد (مانند سیستم‌های آبیاری هوشمند، ماشین‌آلات مدرن و روش‌های نوین کشاورزی) و دانش فنی به‌روز دارند. این عوامل در مجموع منجر به بی‌انگیزگی، ناامیدی و در نهایت کاهش سطح تولید و کیفیت محصولات اساسی شده است.



تحلیل علل ریشه‌ای کاهش انگیزه

برای تدوین سیاست‌های مؤثر، لازم است علل بنیادین این کاهش انگیزه به‌طور دقیق شناسایی و تحلیل



متمرکز است:

« **ایجاد ثبات اقتصادی و تضمین سودآوری:** بازنگری جدی در نظام قیمت تضمینی محصولات کشاورزی مورد تأکید است؛ به طوری که تعیین قیمت تضمینی بر مبنای «هزینه واقعی تولید به اضافه سود منصفانه»، با استفاده از سازوکارهای شفاف و مبتنی بر داده‌های میدانی پیشنهاد می‌شود،
« **توسعه قراردادهای پیش خرید و کشت قراردادی:**

تشویق صنایع تبدیلی و شرکت‌های بازرگانی به انعقاد قراردادهای بلندمدت با کشاورزان، با تعیین شرایط خرید تضمین شده و پرداخت به موقع،

« **حمایت‌های نقدی هدفمند (یارانه مستقیم):**

پرداخت مستقیم یارانه به کشاورزان کم درآمد یا تولیدکننده محصولات استراتژیک، به جای اتکا صرف به یارانه نهاده‌ها،

« **تقویت و گسترش بیمه محصولات:** ارائه پوشش جامع بیمه‌ای برای انواع ریسک‌های تولید (خشکسالی، سیل، سرمازدگی، آفات، بیماری‌ها) با سوبسید دولتی بالا،

« **طراحی بیمه‌های نوین:** توسعه بیمه‌های مبتنی بر شاخص (مانند شاخص بارندگی یا دما) و بیمه‌های جامع اراضی کشاورزی،

« **تسهیل فرایندهای بیمه‌ای:** ساده‌سازی فرایند ثبت نام، ارزیابی خسارت و پرداخت غرامت،

« **توسعه نظام نوین ترویج و آموزش:** ارائه خدمات آموزشی و مشاوره‌ای کاربردی و به روز با تمرکز بر فناوری‌های نوین، کشاورزی دقیق، مدیریت بهینه منابع آب و خاک،
« **حمایت از نوسازی ناوگان مکانیزاسیون:** ارائه تسهیلات و یارانه‌های هدفمند برای خرید ماشین‌آلات مدرن و کارآمد،

« **ترویج کشاورزی هوشمند و دیجیتال:** تشویق کشاورزان به استفاده از اپلیکیشن‌ها، سامانه‌های اطلاعاتی و سنسورهای هوشمند برای پایش مزارع و تصمیم‌گیری بهینه،

« **انسجام و هماهنگی نهادی:** ایجاد یک کارگروه ملی با حضور نمایندگان اصلی ذینفع (وزارت جهاد کشاورزی،

سازمان برنامه و بودجه، بانک‌ها، تشکل‌ها، دانشگاه‌ها) برای هماهنگی سیاست‌گذاری و اجرا،

« **تقویت تشکل‌ها و نظام صنفی کشاورزان:** حمایت از نقش‌آفرینی فعال‌تر تعاونی‌ها و نظام‌های صنفی در فرایندهای تصمیم‌گیری، بازاریابی و تأمین نهاده،

« **ایجاد پایگاه داده جامع کشاورزی:** جمع‌آوری و تحلیل داده‌های مربوط به تولید، مصرف، قیمت، شرایط محیطی و وضعیت اقتصادی کشاورزان برای پشتیبانی از تصمیم‌گیری سیاستی.



الزامات اجرایی و ملاحظات

اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های پیشنهادی نیازمند توجه به الزامات زیر است:

« **تعهد سیاسی و اراده دولت:** اجرای این سیاست‌ها مستلزم حمایت قاطع و بلندمدت مقامات عالی‌رتبه دولتی و اولویت‌بخشی به بخش کشاورزی است،

« **تأمین منابع مالی پایدار:** شناسایی و تخصیص منابع مالی پایدار از بودجه عمومی، صندوق توسعه ملی و یا





تعدد سازمان‌های مسئول در بخش کشاورزی و نبود هماهنگی کافی میان آن‌ها (مانند وزارتخانه‌ها، سازمان‌های استانی، تعاونی‌ها)، فرایندهای حمایتی را کند و پیچیده می‌کند. یکی از مهم‌ترین موانع توسعه کشاورزی، بی‌انضباطی، ناکارآمدی و ناهماهنگی بخش بازرگانی کشاورزی با بخش تولید است.

زمینه فناوری، بازار و مدیریت منابع،

«**دسترسی به فناوری‌های نوین:** گسترش سامانه‌های

داده‌محور و ابزارهای آبیاری هوشمند،

«**مشارکت اجتماعی و تشکلهای محلی:** تقویت تعاون

و تشکلهای کشاورزی برای افزایش قدرت چانه‌زنی.



بسته سیاستی پیشنهادی

اجرای یک بسته ترکیبی شامل اقدامات کوتاه‌مدت،

میان‌مدت و بلندمدت به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

«**کوتاه‌مدت:** افزایش قیمت خرید تضمینی، تسهیل

وام‌های خرد،

«**میان‌مدت:** توسعه بیمه کشاورزی و بازارهای دیجیتال

نهاده‌ها،

«**بلندمدت:** ارتقای فناوری، افزایش بهره‌وری آب و زمین و

تقویت برند کشاورز ایرانی.



نتیجه‌گیری

تقویت انگیزه کشاورزان در تولید محصولات اساسی، یک

سرمایه‌گذاری راهبردی برای تأمین امنیت غذایی، پایداری

اقتصادی مناطق روستایی و حفظ سرمایه‌های اجتماعی

کشور است. با تمرکز بر رفع موانع اقتصادی، کاهش ریسک‌ها،

ارتقاء دانش و فناوری و تقویت ساختارهای حمایتی می‌توان

چارچوبی جامع برای دستیابی به این مهم ارائه نمود.

اجرای مؤثر این بسته سیاستی، نیازمند اراده سیاسی قاطع،

تخصیص منابع کافی و همکاری مستمر میان دولت،

بخش خصوصی و جامعه کشاورزان است. دستیابی به یک

بخش کشاورزی پویا، نوآور و سودآور، نه تنها منافع اقتصادی

خرد و کلان را به همراه دارد، بلکه زمینه‌ساز توسعه پایدار و

تاب‌آوری کشور در مواجهه با چالش‌های آینده خواهد بود.

جذب سرمایه‌گذاری خصوصی برای اجرای برنامه‌های توسعه‌ای،

«**ظرفیت‌سازی اجرایی:** تقویت توانمندی‌های فنی و

مدیریتی سازمان‌های اجرایی در سطوح ملی و محلی،

«**مشارکت ذینفعان:** جلب مشارکت فعال کشاورزان،

تشکلهای و بخش خصوصی در تمامی مراحل طراحی، اجرا

و نظارت بر سیاست‌ها،

«**رصد و ارزیابی مستمر:** ایجاد سازوکار مشخص برای

پایش پیشرفت برنامه‌ها، ارزیابی اثرات آن‌ها و انجام

اصلاحات لازم بر اساس بازخوردها،

«**مشوق‌های مالی و اعتباری:** تخصیص وام‌های کم‌بهره

و حمایت نقدی از تولیدکنندگان محصولات اساسی،

«**قیمت تضمینی واقعی و قراردادهای کشت:** بازنگری

در نظام قیمت تضمینی بر مبنای هزینه تمام‌شده و سود

منصفانه،

«**بیمه فراگیر و مدیریت ریسک:** توسعه بیمه محصولات

و نواحی برای کاهش خسارت‌های ناشی از آفات و

خشکسالی،

«**آموزش و ترویج هدفمند:** ارتقای مهارت کشاورزان در

